

سخن نخست

علوم انسانی چهار چوب فکری هر جامعه را تشکیل می‌دهد و آن را به سمت و سو، مسیر و مقصد خود راهنمایی می‌کند. همین کارایی سبب می‌شود که در طبقه نخبه هر جامعه، پرداختن به این علوم اجتناب‌ناپذیر باشد.

متأسفانه در ده‌های اخیر- به‌ویژه قبل از انقلاب اسلامی - عده‌ای فرنگ‌رفته، نگرش‌های غربی‌ها به پاره‌ای از این علوم مانند فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ... را به ایران وارد کردند و به دلیل ضعف علمی و اعتقادی‌شان، نه تنها برای اسلامی‌سازی این علوم نکوشیدند، بلکه معیارها و بایسته‌های فرهنگ بومی ایران را نیز لحاظ نکرده، به ترجمه این علوم غربی بسنده نمودند.

البته این نکته نیز نباید از دیده انصاف دور بماند که اسلامی و بومی‌سازی این علوم، امری بس دشوار و در گرو چهار عامل کلیدی است: ۱. اعتقاد و باور به عدم کارآمدی علوم انسانی غربی و امکان تولید علوم انسانی مطابق معیارهای اسلامی و فرهنگ بومی ۲. شناختی عمیق و جامع از معارف اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و بایسته‌های فرهنگ ایرانی ۳. آشنایی با دست‌آوردهای پژوهشگران غربی در پاره‌ای از این علوم؛ زیرا برخی از این علوم به صورت مستقل در میان علوم بومی ما نبوده و به تازگی وارد کشورمان شده‌است؛ مانند جامعه‌شناسی. ۴. آشنایی با اسلوب پژوهش در

علوم انسانی. نبودن هر یک از این موارد، باعث ناکامی در رسیدن به این مهم است و تجربه نیز ثابت کرده است که اگر علمی تولید شده، در پرتو همین چهار عامل بوده است.

یکی از نهادهای موثر و کارآمد در این عرصه، حوزه‌های علمیه هستند. و از وظایف خطیر آنها، پرداختن به امر پژوهش و آموزش شیوه‌های آن به طلاب جوان و محققان آینده است. همین امر ما را وا داشت تا در قالب یک مجله علمی، به طلاب جوان انگیزه بدهیم تا چگونگی پژوهش در علوم انسانی را بیاموزند.

خدا را شاکریم که در گام اول، بخشی از مقصود حاصل شد و اکنون با آموختن از اشتباهات پیشین، گام دوم را محکم‌تر از پیش برداشته‌ایم. باشد که مرضی حضرت حق باشد و مصداق این حدیث نورانی از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله باشیم:

قال رسول الله (ص) المؤمن إذا مات و ترک ورقة واحدة علیها علم، تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا فیما بینه و بین النار و أعطاه الله تبارک و تعالی بکل حرف مکتوب علیها مدینة أوسع من الدنيا سبع مرات^۱.

سردبیر